

مناجات امیر المؤمنین (علیه السلام) در مسجد

کوفه

همراه ترجمه فارسی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ الْاَمَانَ یَوْمَ لَا یَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُوْنَ

الهی، من از تو امان می خواهم در آن روزی که نه

مال سودی بخشد و نه فرزندان

اِلَّا مَنْ اَتٰی اللّٰهَ بِقَلْبٍ سَلِیْمٍ

مگر آن افرادی که در پیشگاه خدا با دل پاک و

قلب سالم [و خالص از غیر او] وارد شوند

وَ اَسْأَلُكَ الْاَمَانَ یَوْمَ یَعْضُ الظّٰلِمُ عَلٰی یَدِیْهِ

و از تو امان می خواهم در آن روز که ستمگر به

شدت دست خود را [از پیشانی] به دندان بگذرد

یَقُوْلُ یَا لَیْتَنِیْ اَتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُوْلِ سَبِیْلًا

و بگوید: ای کاش با پیامبر راهی برقرار نموده

بودم

وَ اَسْأَلُكَ الْاَمَانَ یَوْمَ یُعْرَفُ الْمُجْرِمُوْنَ بِسِیْمَاهُمْ

و از تو امان می خواهم در آن روز که مجرمان با

چهره هایشان شناخته می شوند

فِیْؤَخَذُ بِالنَّوَاصِیِ وَ الْاَقْدَامِ

آنگاه از موی پیشانی و از پایشان بگیرند [و بر

آنان راه فراری نباشد]

وَ أَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَنْ وَالدِهِ

و از تو امان می خواهم در آن روزی که نه پدری

عهده دار امری از فرزندش گردد

وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَنِ وَالِدِهِ شَيْئًا

و نه فرزندی چیزی را از پدرش عهده دار گردد

إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ

بی شک وعده خداوند حق است

وَ أَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعذِرَتُهُمْ

و از تو امان می خواهم در آن روز که عذرخواهی

ستمگران آنان را سودی نبخشد

وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ

و بر ایشان دورباش زده شود، و برای آنان است

منزلگاه بد

وَ أَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا

و از تو امان می خواهم در آن روز که هیچ جانی،

قدرت و اختیاری نسبت به دیگری ندارد

و الْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ

و در آن روز حکم و فرمان مختص الله است

وَ أَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ

و از تو امان می‌طلبم در روزی که انسان از

برادرش فرار می‌کند

وَأُمِّهِ وَآبِيهِ وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ

و از مادر و پدرش، و از همسر و فرزندانش نیز

می‌گریزد

لِكُلِّ امْرِيءٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ

برای هر کس در آن روز گرفتاری‌ای هست که به

او مجالی نمی‌دهد

وَ أَسْأَلُكَ الْإِمَانَ يَوْمَ يَوْمِ الْمُجْرِمِ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ

عَذَابِ يَوْمِئِذٍ بِبَنِيهِ

و از تو امان می‌خواهم در آن روزی که جنایتکار

آرزو کند که برای رهایی از عذاب آن روز، فرزندان

خود را فدا کند

وَ صَاحِبَتِهِ وَآخِيهِ وَفَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ

و هم همسر و برادرش را و هم خویشانش را که

او را پناه می‌دادند

وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً ثُمَّ يُنْجِيهِ

و هم تمام اهل زمین را فدیة دهد تا شاید که

نجات یابد!

كَلَّا إِنَّهَا لَلظَى نَزَّاعَةً لِّلشَّوَى

هرگز! همانا آتش شعله‌ور است، که جوارح را

بسوزاند و پوستش را بر کند

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْمَوْلَى وَ أَنَا الْعَبْدُ

آقای من! ای آقای من! تنها تو مولا و سروری، و

من بنده‌ام

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْعَبْدَ إِلَّا الْمَوْلَى

و آیا بر بنده کسی جز مولا ترحم کند؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْمَالِكُ وَ أَنَا الْمَمْلُوكُ

آقای من! ای آقای من! تنها تو صاحب اختیار

وجود منی، و من در اختیار توام

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمَمْلُوكَ إِلَّا الْمَالِكُ

و آیا بر بنده مملوک کسی جز صاحب اختیار او

ترحم کند؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْعَزِيزُ وَ أَنَا الذَّلِيلُ

آقای من! ای آقای من! عزیز و با اقتدار، تنها

تویی، و من ذلیل و خوارم

وَ هَلْ يَرْحَمُ الذَّلِيلَ إِلَّا الْعَزِيزُ

و آیا بر بنده خوار، کسی جز عزیز با اقتدار ترحم

کند؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْخَالِقُ وَ أَنَا الْمَخْلُوقُ

آقای من! ای آقای من! خالق و آفریننده فقط

تویی، و من آفریده تو

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمَخْلُوقَ إِلَّا الْخَالِقُ

و آیا بر آفریده، کسی جز آفریننده‌اش ترحم کند؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْعَظِيمُ وَ أَنَا الْحَقِيرُ

آقای من! ای آقای من! باعظمت تنها تویی، و من

ناچیز هستم

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْحَقِيرَ إِلَّا الْعَظِيمُ

و آیا بر بنده ناچیز کسی جز پروردگار باعظمت

رحم کند؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْقَوِيُّ وَ أَنَا الضَّعِيفُ

آقای من! ای آقای من! توانا تنها تویی، و من

ناتوانم

وَ هَلْ يَرْحَمُ الضَّعِيفَ إِلَّا الْقَوِيُّ

و در حق ضعیفی ناتوان غیر از توانمند چه کسی

ترحم کند؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْغَنِيُّ وَ أَنَا الْفَقِيرُ

آقای من! ای آقای من! بی‌نیاز فقط تو هستی، و

من نیازمندم

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْفَقِيرَ إِلَّا الْغَنِيُّ

و آیا بر نیازمند، کسی جز بی‌نیاز مطلق ترحم

کند؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْمُعْطِي وَ أَنَا السَّائِلُ

آقای من! ای آقای من! بخشنده فقط تویی، و من

در خواست کننده از درگاه توام

وَ هَلْ يَرْحَمُ السَّائِلَ إِلَّا الْمُعْطِي

و آیا در حق سائل کسی جز بخشنده مطلق ترحم

کند؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْحَيُّ وَ أَنَا الْمَيِّتُ

آقای من! ای آقای من! زنده جاوید تنها تویی، و

من مرده بی جانم

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمَيِّتَ إِلَّا الْحَيُّ

و آیا در حق مرده‌ای بی جان جز زنده جاوید

ترحم خواهد نمود؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْبَاقِي وَ أَنَا الْفَانِي

آقای من! ای آقای من! فقط تو پاینده هستی و

من ناپایدارم

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْفَانِي إِلَّا الْبَاقِي

و نابودشدنی را چه کسی جز وجود پاینده ترحم

کند؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الدَّائِمُ وَ أَنَا الزَّائِلُ

آقای من! ای آقای من! جاوید و پایدار تنها

تویی، و من از بین رونده

وَ هَلْ يَرْحَمُ الزَّائِلَ إِلَّا الدَّائِمُ

و آیا در حق موجودی زوال پذیر جز وجود پایدار

رحم آرد؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الرَّازِقُ وَ أَنَا الْمَرْزُوقُ

آقای من! ای آقای من! فقط تو روزی دهنده

هستی و من روزی طلب

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمَرْزُوقَ إِلَّا الرَّازِقُ

و آیا بر روزی طلبان جز روزی دهنده ترحم کند؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْجَوَادُ وَ أَنَا الْبَخِيلُ

آقای من! ای آقای من! سخاوتمند، تنها تویی و

منم تنگ نظر

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْبَخِيلَ إِلَّا الْجَوَادُ

و آیا در حق شخص تنگ نظر، کسی جز

سخاوتمند رحم کند؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْمُعَافِي وَ أَنَا الْمُبْتَلَى

آقای من! ای آقای من! تنها عافیت بخش تویی،

و من گرفتار

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمُبْتَلَى إِلَّا الْمُعَافِي

و آیا بر گرفتار جز عافیت بخش ترحم کند؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْكَبِيرُ وَ أَنَا الصَّغِيرُ

آقای من! ای آقای من! فقط تو بزرگ هستی، و

من کوچک و ناچیز

وَ هَلْ يَرْحَمُ الصَّغِيرَ إِلَّا الْكَبِيرُ

و آیا بر کوچک جز بزرگ رحم آورد؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْهَادِي وَ أَنَا الضَّالُّ

آقای من! ای آقای من! تنها هدایتگر تویی و من

وَ هَلْ يَرْحَمُ الضَّالَّ إِلَّا الْهَادِيَ

و آیا در حقّ بندهای گمراه جز هدایتگر ترحم

کند؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الرَّحْمَنُ وَ أَنَا الْمَرْحُومُ

آقای من! ای آقای من! تنها رحم کننده تویی و

منم بندۀ بخشوده

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمَرْحُومَ إِلَّا الرَّحْمَنُ

و آیا بر قابل بخشش کسی جز بخشاینده ترحم

کند؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ السُّلْطَانُ وَ أَنَا الْمُتَّحَنُ

آقای من! ای آقای من! پادشاه مطلق تنها تویی،

و من بندۀ امتحان شده

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمُتَّحَنَ إِلَّا السُّلْطَانُ

و آیا بر بندۀ مورد امتحان جز فرمانروای عالم

رحم کند؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الدَّلِيلُ وَ أَنَا الْمُتَّحِيرُ

آقای من! ای آقای من! رهنما تنها تویی، و من

سرگشته‌ام

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمُتَّحِيرَ إِلَّا الدَّلِيلُ

و آیا بر سرگشته جز رهنما ترحم کند؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْغَفُورُ وَ أَنَا الْمُذْنِبُ

آقای من! ای آقای من! تویی تنها آمرزنده و من

گناه کار

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمُذْنِبَ إِلَّا الْغَفُورُ

و آیا بر گناه کار جز آمرزنده رحم کند؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْغَالِبُ وَ أَنَا الْمَغْلُوبُ

آقای من! ای آقای من! فقط تو چیره و پیروز

هستی، و منم شکست خورده

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمَغْلُوبَ إِلَّا الْغَالِبُ

و آیا بر شکست خورده ناتوان جز چیره توانمند

رحم آورد؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الرَّبُّ وَ أَنَا الْمَرْبُوبُ

آقای من! ای آقای من! تنها تو پروردگاری و من

پرورش یافته توام

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمَرْبُوبَ إِلَّا الرَّبُّ

و آیا در حق پرورش یافته جز پروردگارش ترحم

کند؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْمُتَكَبِّرُ وَ أَنَا الْخَاشِعُ

آقای من! ای آقای من! بزرگ منم فقط تو

هستی، و من بنده فروتن

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْخَاشِعَ إِلَّا الْمُتَكَبِّرُ

و آیا بر بنده خاکسار و فروتن جز خداوند باکبریا

و بزرگ منم رحم کند؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ اَرْحَمَنِي بِرَحْمَتِكَ

آقای من! ای آقای من! با رحمت بی انتهایت بر

من ترحم کن

وَ اَرْضَ عَنِّي بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ وَ فَضْلِكَ

و باوجود و کرمت از من راضی و خشنود شو

يَا ذَا الْجُودِ وَ الْاِحْسَانِ وَ الطَّوْلِ وَ الْاِمْتِنَانِ

ای خدای دارای احسان و بخشش، و فضل و

نعمت

بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

به حق رحمتت، ای مهربانترین مهربانان